

## گمشده

طفلی به نام شادی  
دیری ست گمشده است  
با چشمهای روشن بزاق  
با گیسوی بلند به بالای آرزو  
هر کسی از او نشانی دارد  
مارا کند خبر  
این هم نشان ما:  
یک سو خلیج فارس  
سوی دگر خزر  
محمدرضا شفیعی کدکنی

## غفلت

سالها چیزی به نام زندگانی داشتم  
عالمی آشفته با نام جوانی داشتم  
آرزویی، حسرتی، خوابی، خیالی، قصه‌ای  
یک چنین چیزی به نام زندگانی داشتم  
خنده‌ای از جهل و مستی داشتم بر لب از آنک  
غفلتی از غم به نام شادمانی داشتم  
در فراخای جهان از تنگ چشمی‌های خلق  
خاطری آسوده از بی‌آشنایی داشتم  
زیستم با تنگدستی‌های طاقت سوز، لیک  
آنچه را آزادگان دارند و دانی، داشتم  
شکوه از بی‌همزبانی کم کن ای عارف که من  
در کنار او افغان از بی‌زبانی داشتم  
بژمان بختیاری

## دلتنگی

ای عشق! کجایی؟ گره افتاده به کارم  
یک مشت غزلگریه شده دار و ندارم  
رنجورترین مرد نوازنده امشب  
ناراحتی از اینکه شکسته‌ست سه تارم  
از من مطلب عطر گلاب گره بان<sup>۱</sup> را!  
پژمرده شده باغچه تازه بهارم  
با سنگدلی مردم این دوره زمانه  
غیر از بد و بیراه، نکردند نثارم  
هر روز سر میز غذا یک شکم سیر  
دلتنگی بی‌وقفه شده شام و نهارم  
مانند فقیری که ندارد کس و کاری  
افتاده به آغوش خیابان سر و کارم  
باید بروم حال دلم بی‌تو گرفته‌ست  
یادت نرود گریه کنی روی مزارم!

۱- گلاب گره بان: نوعی گلاب خاصه شهرستان هرسین  
در استان کرمانشاه

رضا حدادیان - کرمانشاه

## پرواز و آواز

پرواز  
در یاد پرنده می‌ماند  
در آزادی  
و پرواز در یاد پرنده نمی‌ماند  
در قفس  
و آواز در یاد پرنده می‌ماند  
چه در قفس، چه در آزادی  
پرنده گناهِش چیست؟  
آواز یا پرواز؟  
نعمت الله زارعیان - گچساران

## عبور

عبور می‌کنی و بی‌تو ساده می‌شکنم  
که آبگینه در دم، نه آهن و چدنم  
نسیم من! به کجا اینچنین شتابانی؟  
بگو که چیست جوابت به پرسش گونم؟  
چنان به خاطر تو رود اشک من جاری‌ست  
که سبزه زد گل گندم به روی پیرهنم  
به ابرهای گران اقتدا اگر نکنم  
چگونه قطره شوم، سر به خانه‌ات بز نم؟  
مرا که رانده شدم از بهشت چشمانت  
و بی‌پناهی من کرده دورم از وطنم  
چه برزخی است که می‌سوزد از حرارت آن  
تمام تن تند روح و جان و تنم  
مرا مراده با تو روایتی است غریب  
رواست این همه دوری تراود از سخنم؟  
تو ماه می‌شوی و بر که می‌شوم شاید  
به انعکاس تو مهتاب تابد از دهنم  
و نیست فاصله‌ای تا قیامت از تو مرا  
گواه بارز من: دود توست در کفنم

اطهره رضایی - کرمان